

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Obstacles and Strategies for International Criminal Support for Ukraine Against Russian Attacks

Somayeh Tafaghodi Zare^{*1}, Mohammad Ghanbari², Mojgan Mohammadi³

1. Faculty member, Law Department, Baharestan Branch, Payam Noor University, Baharestan, Iran.

2. Master's Degree, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Master's Degree, Department of Computer (Software), Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

* Corresponding Author's Email: somaye_tafaghodi@pnu.ac.ir

ABSTRACT

The crimes committed between Ukrainian and Russian forces represent one of the deadliest conflicts and armed hostilities in the past decade. The United Nations Human Rights Monitoring Mission in Ukraine has identified the hostilities in Eastern Ukraine as a grave violation of jus cogens norms under international law. This invasion has faced widespread international condemnation, including new sanctions against Russia, which have triggered a financial crisis within the country. From the perspective of international criminal law, Russia's aggression against Ukraine constitutes a clear violation of the prohibition on the use of force—one of the most fundamental principles of international criminal law that warns states against imposing arbitrary will and unjustifiable sovereignty over others. The most effective international legal response to this aggression is the cooperation of states in sanctioning and condemning Russia, as it has acted contrary to universally accepted international principles. Russia's invasion of Ukraine has once again demonstrated that although there are still obstacles to enforcing the laws governing the use of force, these laws unequivocally establish the illegality of Russia's actions. At the same time, the invasion reinforces the ongoing central role of the law of armed conflict as a foundational pillar of the contemporary international legal order. Therefore, international law demands a special and insightful form of support—one capable of reinforcing the legal principles that govern state conduct and restraining their arbitrary and self-serving judgments.

Keywords: *Discretionary punishment, postmodernism, punishment efficiency, criminology*

How to cite: Tafaghodi Zare, S., Ghanbari, M., & Mohammadi, M. (2024). Obstacles and Strategies for International Criminal Support for Ukraine Against Russian Attacks. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(3), 274-291.



تاریخ ارسال: ۶ مرداد ۱۴۰۳
تاریخ بازنگری: ۲۵ مهر ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۶ آبان ۱۴۰۳
تاریخ چاپ: ۱۶ آذر ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

موانع و راهکارهای حمایت کیفری جامعه بین‌المللی از اوکراین در قبال حملات روسیه

سمیه تفقدی زارع^۱، محمد قنبری^۲، مژگان محمدی^۳

۱. عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد بهارستان، دانشگاه پیام نور، بهارستان، ایران.
 ۲. کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. کارشناسی ارشد، گروه کامپیوتر (نرم افزار)، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
- * پست الکترونیک نویسنده مسئول: somaye_tafaghodi@pnu.ac.ir

چکیده

جنایات ارتكابی میان نیروهای اوکراین و روسیه یکی از مرگبارترین مخاصمات و درگیری‌های جنگی در دهه اخیر است. هیأت نظارت ملل متحد بر حقوق بشر در اوکراین، درگیری‌های شرق اوکراین را به عنوان نقض شدید قواعد آمره حقوق بین‌الملل مطرح نموده است. این تهاجم با محکومیت‌های گسترده بین‌الملل، مانند تحریم‌های جدید علیه روسیه، که موجب بحران مالی در روسیه شده است، روبه رو شد. تجاوز روسیه به اوکراین از منظر حقوق بین‌الملل کیفری نقض روشن اصل منع توسل به زور می‌باشد که این اصل از مهم‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل کیفری است که کشورها را از تحمیل نظر و اعمال حاکمیت غیرمعمول بر حذر می‌دارد، بهترین راهکار حقوق بین‌الملل کیفری با این حمله همکاری دولت‌ها در تحریم و محکوم نمودن روسیه می‌باشد، چرا که بی‌تفاوت به اصول پذیرفته بین‌المللی و برخلاف آن اقدام کرده است. تهاجم روسیه به اوکراین بار دیگر نشان داد با آنکه موانع اجرای حقوق ناظر بر کاربرد زور همچنان ادامه دارد، این حقوق در غیرقانونی بودن اقدام روسیه صراحت داشته و به موازات آن بر نقش محوری مستمر حقوق جنگ به عنوان رکن اصلی نظم حقوقی بین‌المللی معاصر نیز تأکید داشته است. بنابراین، حقوق بین‌الملل حمایت ویژه توأم با بصیرت را می‌طلبد، تا بتواند اصول قانونی حاکم بر اقدامات دولت‌ها را تحکیم بخشد و داوری‌های دلخواهانه و خودبینانه آن‌ها را مهار کند.

کلیدواژگان: حمایت کیفری، جامعه بین‌المللی، جنگ اوکراین، حملات روسیه

نحوه استناددهی: تفقدی زارع، سمیه، قنبری، محمد. و محمدی، مژگان. (۱۴۰۳). موانع و راهکارهای حمایت کیفری جامعه بین‌المللی از اوکراین در قبال حملات روسیه. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۳)، ۲۹۱-۲۷۴.



پناهنده شده‌اند که این امر تبدیل به بحران پناهنجویان اوکراینی شده‌است. اعتراضات در روسیه با دستگیری‌های دسته جمعی مواجه شد و دولت روسیه به‌طور قابل توجهی سرکوب رسانه‌های مستقل را افزایش داد (Mirabbasi, 2017). کشورهای مختلف کمک‌های بشردوستانه و نظامی به اوکراین ارسال کردند.

با توجه به پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است نوآوری این مقاله بررسی موانع و چالش‌هایی است که در جهت حمایت کیفری جامعه بین‌المللی از اوکراین در قبال حملات روسیه با در نظر گرفتن نظریه مسئولیت حمایت را مورد پژوهش قرار می‌دهیم.

مسئولیت بین‌المللی روسیه و اوکراین

اوکراین و فدراسیون روسیه، هر دو عضو چندین معاهده مهم حقوق بشری هستند. معاهدات حقوق بشر در همه حوزه‌هایی که یک دولت صلاحیت خودش را اعمال می‌کند، اعم از داخل یا خارج از سرزمین اصلی خود، قدرت اجرایی دارند. قوانین بین‌المللی حقوق بشر در تمام سرزمین‌هایی که یک دولت بر آن کنترل مؤثر دارد و در خصوص تمام افرادی که دولت بر آن‌ها کنترل مؤثر دارد باید رعایت شوند. در رابطه با درگیری‌های نظامی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی از طرف‌های درگیر می‌خواهد که همیشه بین جمعین غیرنظامی و نظامیان و بین اشیاء غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند، صرفاً حملات مستقیم علیه اهداف نظامی را انجام دهند و تمام اقدامات احتیاطی ممکن را در انتخاب تجهیزات و روش‌های حمله به منظور جلوگیری یا به حداقل رساندن تلفات تصادفی غیرنظامیان و آسیب به اشیاء غیرنظامی انجام دهند (HRMMU, 2022: 2).

ماده ۸ اساسنامه رم، جرم تجاوز را برنامه ریزی، آماده سازی، شروع، یا اجرای اعمال تجاوزکارانه با نقض منشور ملل متحد، مانند تهاجم، اشغال یا الحاق با زور توسط یک رهبر سیاسی یا

بحران انسانی بین روسیه و اوکراین از اکتبر سال ۲۰۲۱ آغاز شد و به سرعت ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرد و علاوه بر کشته شدن ده‌ها هزار نفر به آوارگی بیش از ۸ میلیون انسان در ماه‌های اول بحران منجر شد. حمله روسیه به اوکراین، به تهاجم گسترده روسیه به همسایه غربی خود، اوکراین، از تاریخ ۵ اسفند ۱۴۰۰ (۲۴ فوریه ۲۰۲۲) اشاره دارد که نشان دهنده تشدید چشمگیری بحران روسیه و اوکراین بود که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده بود. این تهاجم، بزرگ‌ترین حمله نظامی متعارف به خاک اروپا از زمان جنگ جهانی دوم است.^۱ پیش از این تهاجم، روند نفوذ نظامی روسیه در اوکراین، از اوایل سال ۲۰۲۱ آغاز شده بود و طی آن ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از گسترش ناتواز سال ۱۹۹۷ به عنوان تهدیدی برای امنیت کشورش انتقاد کرد و خواستار ممنوعیت قانونی پیوستن به ائتلاف نظامی برای اوکراین شد. او همچنین نظریه بازپیوندخواهی (بازپس‌گیری سرزمین‌های شوروی سابق) را مطرح کرد. علی‌رغم افزایش نیروها، مقامات روسیه از اواسط نوامبر ۲۰۲۱ تا ۲۰ فوریه ۲۰۲۲ مکرراً طرح روسیه برای حمله به اوکراین را رد کردند. در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲، روسیه به‌طور رسمی جمهوری خلق دونتسک و جمهوری خلق لوهانسک، دو کشور خودخوانده در منطقه دونباس در شرق اوکراین را به رسمیت شناخت و نیروهای خود را به این مناطق اعزام کرد. روز بعد، شورای فدراسیون روسیه به اتفاق آرا به پوتین مجوز استفاده از نیروی نظامی در خارج از مرزهای روسیه را صادر کرد. این تهاجم با محکومیت گسترده بین‌المللی، از جمله تحریم‌های جدید علیه روسیه، که باعث بحران مالی در روسیه شده است، رو به رو شد (Cottier, 2022). تا سال ۲۰۲۲، بیش از ۲ میلیون اوکراینی از خانه‌های خود گریخته و به کشورهای دیگر

^۱. <https://www.theguardian.com/world/2022/jul/03/liz-truss-mulls-seizure-of-russian-assets-in-uk-to-give-to-ukraine>

روسی در انجام تصمیم نهایی پیدا کردند. اگر آن‌ها به تعهدات حقوق بشردوستانه خود از نظر تمایز، تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله و در مورد اماکن حفاظت شده به ویژه بیمارستان‌ها احترام گذاشته بودند، تعداد غیرنظامیان کشته یا مجروح بسیار کمتر می‌بود. به همین ترتیب، خانه‌ها، بیمارستان‌ها، اماکن فرهنگی، مدارس، ساختمان‌های مسکونی چند طبقه، ایستگاه‌های آب و سیستم‌های برق به میزان بسیار کمتری آسیب می‌دیدند. علاوه بر این، بسیاری از رفتارهای نیروهای روسی که در بخش‌هایی از اوکراین که قبل و بعد از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آن را اشغال کرده‌اند، و اعمال نمایندگان آن‌ها در «جمهوری‌های» خودخوانده دونتسک و لوهانسک، ناقض تعهدات حقوق بشر دوستانه مربوط به اشغال نظامی است (Benedek et al., 2022). مداخله آمریکا و ناتو ممکن است خطر استفاده از سلاح‌های اتمی و بروز جنگ جهانی سوم را افزایش دهد. اما با این حال، بایستی کمک‌های محدودتری نظیر کمک‌های پزشکی و غذایی به اوکراین ارائه شود. پیشنهاد عملی‌تر ایجاد کریدورهای امنی است که غیرنظامیان و تمامی سازمانهای بشردوستانه و به ویژه صلیب سرخ بتوانند از آن استفاده نمایند. برای حراست از این کریدورها نیز در صورت لزوم ناتو باید فقط بر فراز آن‌ها منطقه پرواز ممنوع ایجاد کند، نه بر فراز کل اوکراین.

نظریه مسئولیت حمایت در اوکراین

جنايات جنگی شامل نقض‌های مختلف اصول و قواعد حقوق بین الملل از جمله هدف قرار دادن غیرنظامیان و استفاده عمدی از گرسنگی است. در شرایط فعلی اوکراین مستحق دریافت کمک‌های مؤثر و کامل در چهارچوب اصل مسئولیت حمایت است (Cottier, 2022).

مسئولیت حمایت به عنوان یک اصل سیاسی پذیرفته شده است، اما هنوز به عنوان یک اصل حقوق معاهدات تثبیت نشده است. اوکراین، به دلیل حمله مسلحانه توسط فدراسیون روسیه، اگرچه

نظامی تعریف می‌کند. این ماده به دیوان بین المللی کیفری این امکان را می‌دهد تا رهبران ارشد سیاسی یا نظامی را به دلیل جنگ غیرقانونی علیه دولت دیگر تحت پیگرد قانونی قرار دهد. کشورهایی که عضو دیوان کیفری بین المللی نیستند، مانند اوکراین و روسیه، از صلاحیت دادگاه در مورد جرم تجاوز مستثنی هستند، مگر اینکه شورای امنیت سازمان ملل پرونده را به دیوان ارجاع دهد، امری که با توجه به حق وتوی روسیه بر تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل، بعید است. به همین دلیل، پیشنهادهایی از سوی کارشناسان حقوقی و سیاستمداران مبنی بر ایجاد یک دادگاه بین المللی موقت برای تعقیب جرم تجاوز در رابطه با جنگ اوکراین ارائه شده است.

چنین دادگاهی صلاحیت محاکمه افراد مسئول تجاوز را خواهد داشت. پارلمان اروپا در قطعنامه خود در ۱۹ مه ۲۰۲۲ با اشاره به عدم صلاحیت دیوان بین المللی کیفری در مورد جرم تجاوز در جنگ با اوکراین، خواستار تشکیل «دادگاه بین المللی ویژه» شد (Neville, 2022). در ۳ مارس ۲۰۲۲، مکانیسم مسکوی سازمان امنیت و همکاری اروپا توسط اوکراین با حمایت ۴۵ کشور عضو این سازمان مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه، هیأتی متشکل از سه کارشناس در ۱۴ مارس ۲۰۲۲ منصوب شدند که طبق قوانین مکانیسم مسکو قرار بود کار خود را ظرف سه هفته تکمیل کنند. این هیأت در ۵ آوریل ۲۰۲۲ گزارش خود را به دولت درخواست کننده یعنی اوکراین تحویل داد.

سازمان از این هیأت خواسته بود موارد ادعایی نقض قوانین بین المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی را بررسی نماید و در خصوص احتمال وقوع جنايات جنگی و جنايات علیه بشریت، از جمله حملات عمدی و بدون تبعیت علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌هایی غیرنظامی تحقیق کنند. هر چند روسیه از همکاری با این هیأت خودداری نمود اما، اعضای این مأموریت موارد روشنی از نقض حقوق بشر بین المللی توسط نیروهای

مایل است، اما دیگر در موقعیتی نیست که بتواند به تنهایی از مردم خود محافظت کند. بنابراین این کشور از منظر تئوری مستحق توسل به اصل مسئولیت حمایت برای دریافت کمک از سوی جامعه بین المللی است (Seifzadeh et al., 2018).

از سوی دیگر، رئیس جمهور اوکراین مکرراً از جامعه بین المللی و به ویژه ناتو درخواست تعیین منطقه پرواز ممنوع بر فراز اوکراین نموده است. بنابراین، حاکمیت اوکراین مانعی برای اتخاذ اقداماتی بر اساس اصل مسئولیت حمایت نمی‌بیند و این اقدامات از نظر اوکراین با اصل احترام به حاکمیت ملی کشورها تعارضی نخواهد داشت. دیوان بین المللی دادگستری در پرونده اوکراین علیه فدراسیون روسیه، در ۱۶ مارس ۲۰۲۲ بر اساس کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی یک دستور موقت صادر کرد. دیوان از فدراسیون روسیه می‌خواهد تا به عملیات نظامی که از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آغاز کرده پایان دهد. با توجه به مخالفت روسیه هرگونه اقدام سازمان ملل متحد برای مداتله نیازمند مجوز شورای امنیت است. اما در چهارچوب حق دفاع مشروع مذکور در ماده ۵۱ منشور اوکراین می‌تواند به دفاع از خود اقدام کند. اگر روسیه قطعنامه شورای امنیت را وتو کند مجمع عمومی با دو سوم آرا می‌تواند قطعنامه‌ای شبیه به قطعنامه اتحاد برای صلح صادر نماید و مجوز حمایت از اوکراین را بدهد (Faghih Habibi, 2017).

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر بر اساس مأموریت حقوق بشر سازمان ملل در اوکراین، در خصوص موارد نقض قوانین بین المللی بشردوستانه و قوانین بین المللی حقوق بشر در جریان حمله روسیه به اوکراین در گزارش خود آورده است: در طول دوره تهیه این گزارش، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در مجموع ۸۳۶۸ تلفات غیرنظامی را ثبت کرد که ۳۹۲۴ نفر کشته و ۴۴۴۴ نفر زخمی شدند.

تصمیم نهایی تأثیر منفی شدیدی بر افراد و گروه‌هایی که در موقعیت‌های آسیب پذیر هستند، از جمله افراد دارای معلولین و

افراد مسن داشته است. کمیساریای عالی حقوق بشر دریافته است که بسیاری از آن‌ها قادر به دسترسی به پناهگاه‌ها نبودند و مجبور بودند به کمک اعضای خانواده خود و سایرین، زمانی که چنین کمک‌هایی حتی در دسترس بود، تکیه کنند. درگیری‌های شدید باعث آوارگی گسترده مردم غیرنظامی شده است که پیامدهای جدی برای برخورداری آن‌ها از حقوق انسانی خود از جمله حقوق اقتصادی و اجتماعی داشته است (OHCHR, 2022: 5).

گزارشگران دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری در اروپا در خصوص جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و موارد نقض حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر بین المللی در اوکراین در جریان تهیه گزارش خود موارد روشنی از نقض جدی قوانین بین المللی بشردوستانه را کشف کرده اند. از جمله آنکه تعداد قابل توجهی از غیرنظامیان کشته یا مجروح شده اند و اماکن غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها، اموال فرهنگی، مدارس، ساختمان‌های مسکونی چند طبقه، ساختمان‌های اداری، ندامتگاه‌ها، سیستم‌های آب و برق در بسیاری از شهرها و روستاها آسیب دیده یا تخریب شده‌اند (Mousazadeh & Hosseinzadeh, 2020).

بزرگی و فراوانی حملات به غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی، به ویژه در نقاطی که هیچگونه تاسیسات نظامی وجود ندارد، نشان می‌دهد طرفین منازعه به تعهد اساسی خود جهت رعایت اصول بنیادین تمایز (تفکیک)، تناسب و احتیاط که اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی می‌باشند توجهی ندارند نشانه‌های شکنجه و بدرفتاری بر روی اجساد غیرنظامیان کشته شده نیز، نشان از بی‌توجهی به اصل انسانیت دارد. اصلی که باید راهنمای اعمال حقوق بشردوستانه بین المللی در هنگام عملیات نظامی باشد. رویدادهای مربوط به شهرهای بوچا و ایرپین که مأمورین سازمان امنیت و همکاری اروپا از آن‌ها بازدید کرده اند، نمونه‌های نمادین نقض فاحش حقوق بین الملل، حقوق بشردوستانه مندرج در کنوانسیون

ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن می‌باشند. نقضی که جنایت جنگی محسوب می‌شود (Islami & Abedi, 2016).

مأموران سازمان امنیت و همکاری اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که قوانین بین‌المللی حقوق بشر نیز به طور گسترده در درگیری‌های اوکراین نقض شده‌اند. برخی از جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر شامل کشتار هدفمند غیرنظامیان، از جمله روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر، یا شهرداران محلی و علاوه بر آن بازداشت‌های غیرقانونی، آدم‌ربایی، ناپدید شدن اجباری، شکنجه؛ اخراج گسترده غیرنظامیان اوکراینی به روسیه؛ اشکال مختلف بدرفتاری، عدم رعایت تضمین‌های دادرسی عادلانه و اعمال مجازات اعدام می‌باشد. بیشتر حوادث، البته نه همه، در سرزمین‌های به اصطلاح جمهوری‌های تلقی دونتسک و لوهانسک صورت گرفته است.

یکی از مهمترین راهبردهای مهار و کنترل رقیب در حوزه ژئوپلیتیک، عمق استراتژیک است. مشخصاً در قبال روسیه، آمریکا پس از فروپاشی شوروی علی‌رغم تعهدی که داده بود، حوزه نفوذ خود را به مرزهای روسیه توسط ناتو گسترش داده است و روسیه بارها به این رویه اعتراض کرده است. اوکراین به لحاظ موقعیت خاص ژئوپلیتیکی که در مرز روسیه دارد، در سند همسایگی روسیه، این ناحیه برایش خط قرمز امنیتی محسوب می‌شود که حضور هرگونه رقیب خارجی را در مرزهای خود تهدید جدی امنیتی می‌پندارد و هرگز اجازه نمی‌دهد که رقیبش، آمریکا و ناتو بیش از این در مرزهایش حضور پیدا کنند. اکنون با وضعیت گذار در نظم بین‌المللی و افول نسبی قدرت آمریکا، روسیه فرصت را برای واکنش، تغییر در نظم آمریکایی و اعمال نظم مطلوب خود در مرزهایش فراهم می‌بیند. در این قالب روسیه و آمریکا در ابتدا با تهدید یکدیگر سعی بر وادار کردن یکدیگر به نظم مطلوب خود داشتند، آمریکا با تحریک کردن تنش در اوکراین سعی بر به عضویت درآوردن اوکراین در ناتو داشت و روسیه در مقابل با اعمال تهدید به دنبال گرفتن تضمین امنیتی از غرب برای عقب

نشینی ناتو بود که نهایتاً با امتناع آمریکا و ناتو از دادن همچنین تضمینی، روسیه در محاسبه هزینه فایده، ریسک پیشروی ناتو در مرزهای خود را بیش از این هرگز نمی‌پذیرد و برای اطمینان از امنیت ملی خود و وادار کردن ناتو به عقب نشینی به اوکراین حمله کرد. بنابراین مطابق نظریه مسئولیت حمایت یکی از عناصر این مسئولیت، بازدارندگی است که در جنگ روسیه و اوکراین شامل تحریم‌ها، فشار سیاسی و دیپلماتیک و دیگر تدابیر قهری است. بازدارندگی موثر باید علل ریشه‌ای و علل مستقیم درگیری داخلی و دیگر بحران‌های ایجاد شده را مورد توجه قرار می‌دهد (Islami & Abedi, 2016).

در نتیجه علل بحران اوکراین را می‌توان در دو دسته خلاصه کرد: نخست، ایالات متحده مسئول اصلی ایجاد بحران است. این به معنای انکار این نیست که پوتین جنگ را آغاز کرد و او مسئول هدایت روسیه در جنگ است. همچنین نمی‌توان انکار کرد متحدان آمریکا تا حدی مسئولیت دارند. دوم، دولت بایدن از آغاز جنگ، فشارها بر روسیه را چند برابر کرده‌اند. واشنگتن و متحدان غربی‌اش متعهد به شکست قاطع روسیه در اوکراین و اعمال تحریم‌های جامع برای تضعیف شدید قدرت روسیه هستند.

مقتضیات روسیه در حمله نظامی به اوکراین

کشور روسیه، به عنوان میراث دار شوروی سابق، که خود از بنیان‌گذاران نظام حقوقی پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید، در سال ۲۰۱۴ با انضمام کریمه به سرزمین خود و این بار، با حمله نظامی در فوریه ۲۰۲۲ به سرزمین اوکراین، با نادیده انگاشتن قاعده منع توسل به زور، بنیان حقوق بین‌الملل و نظام حاصل از منشور ملل متحد را سست کرده است. قاعده حقوقی منع تهدید یا توسل به زور که در بند ۴ ماده ۲ منشور، به عنوان اصلی اساسی در تحقق اهداف سازمان ملل متحد مقرر گشته، امروزه ماهیتی آمره یافته است و تنها پذیرای دو استثناست: ۱. دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور

ملل متحد) ۲. عملیات نظامی بین‌المللی تحت امر شورای امنیت (ماده ۴۲ منشور).

پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به منظور توجیه حمله نظامی به اوکراین، در بیانیه صادره، تلاش کرد به اقدام خود قالبی حقوقی بخشد و در این میان، مهمترین ادعای وی، آن بود که این حمله، دفاعی مشروع در حمایت از روسیه و دولت‌های خودخوانده منطقه دنباس است که روسیه پیش از این، آن‌ها را به عنوان دولت‌هایی مستقل مورد شناسایی قرار داده بود. پوتین در این بیانیه، دولت‌های غربی را «متجاوزانی بالقوه»^۱ خواند و بیان کرد «هیچکس نباید در این تردید کند که هر متجاوز بالقوه‌ای در صورت حمله به کشور ما با شکست و عواقب شومی مواجه خواهد شد.» افزون بر این، روسیه با اشاره به معاهده دوستی، همکاری و کمک متقابل منعقدۀ با رهبران دونتسک و لوهانسک، دفاع مشروع جمعی را دستاویزی برای مشروعیت بخشیدن به اقدام خود قرار داد (Sharifi Tarazkahi & Farzaneh, 2014).

این در حالی است که دفاع مشروع، وضعیتی استثنائی نسبت به قاعده منع توسل به زور بوده و از این رو همواره باید آن را به گونه‌ای مضیق تفسیر کرد. چنانکه از متن ماده ۵۱ منشور و نیز رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ Reports, 1986; ICJ Reports, 2004; ICJ Reports, 2003; ICJ Reports, 2005) برمی‌آید، دفاع مشروع تنها در فرض وقوع حمله مسلحانه و به شرط رعایت ضرورت، تناسب و فوریت امکان استناد دارد. استفاده از اصطلاح «متجاوزان بالقوه» برای اوکراین و دولت‌های عضو ناتو از سوی پوتین، خود اقراری بر این واقعیت است که پیش از قشون کشی نظامی روسیه، این کشور هدف حمله مسلحانه بالفعلی از جانب این کشورها واقع نشده و از این رو، استناد به دفاع مشروع برای توجیه این حمله نظامی، بی‌پایه و اساس است. از طرفی، نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه نیز در حقوق بین‌الملل از جایگاه هنجاری برخوردار نبوده و نیست.

دفاع مشروع جمعی هم اگرچه یک حق ذاتی عرفی پنداشته می‌شود، ولی همان‌طور که در بند ۱۳۹ نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نتایج حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین فلسطین اشغالی (۲۰۰۴) مطرح شد، این حق مختص دولت‌هاست. به منظور ارزیابی آنکه جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک به واقع، موجد وصف «دولت» هستند یا خیر، باید به ارزیابی مشروعیت حقوقی جدایی آن‌ها از اوکراین پرداخت. از آنجا که جدایی یکجانبه در تقابل با اصول تمامیت سرزمینی و حاکمیت کشورها قرار دارد، حقوق بین‌الملل در شرایط خاصی، این وضعیت را تجویز کرده است. به عبارت دیگر، اعمال حق تعیین سرنوشت خارجی و تشکیل کشوری مستقل، در دو فرض مردم تحت استعمار و اشغال پذیرفته شده است. با وجود این، دکترونی تحت عنوان جدایی چاره ساز امکان جدایی مردمی را که حقوق بشر آن‌ها توسط دولت حاکم به طور فاحش و سیستماتیک نقض می‌شود، مورد شناسایی قرار داده است؛ اما هنوز در اینکه این دکترونی توانسته باشد در بدنه حقوق بین‌الملل رخنه کند، تردید وجود دارد. حتی به فرض پذیرش مفهوم جدایی چاره ساز به عنوان یک هنجار حقوقی، همان‌طور که دولت روسیه در بیانیه خود به دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مطابقت اعلامیه یکجانبه استقلال در مورد کوزوو با حقوق بین‌الملل (۲۰۱۰) بر آن صحه گذاشت، اعمال آن به عنوان آخرین راهکار، زمانی که هیچ روش دیگری برای اجرای حق تعیین سرنوشت داخلی مردم نباشد، مجاز خواهد بود. به نظر می‌رسد نحوه برخورد دولت اوکراین نسبت به جدایی طلبان منطقه دنباس، شرایطی که در آن جدایی، آخرین راه چاره باشد را محقق نمی‌کند. بر این اساس، جدایی یکجانبه بخش‌هایی از سرزمین یک کشور بدون رضایت دولت مادر، قانونی نبوده و در نتیجه شناسایی این استقلال

^۱. Potential Aggressor

جانبدارانه برخورد می‌کنند، اقدام آن‌ها تحت عنوان عملیات حفظ صلح قرار نمی‌گیرد.

دیگر دلیل توجیهی که رئیس جمهور روسیه به مدد آن درصدد رفع مسئولیت نقض قاعده منع توسل به زور از دولت خود برآمد، اشاره به ارتکاب جنایت نسل زدایی توسط دولت اوکراین در شرق این کشور بود که این ادعا به طور ضمنی مداخله بشردوستانه روسیه را ضرورت می‌بخشد. مداخله بشردوستانه، حاکی از تجويز وضعیت مداخله، به شیوه نظامی و نقض حاکمیت کشوری است که یا خود ناقض حقوق بشر است یا ناتوان به جلوگیری از نقض حقوق بشر در سرزمین خویش است. به منظور پیشگیری از سوء استفاده دولتها از این مفهوم و رعایت استثنای محدود قاعده منع توسل به زور، توسل به مداخله بشردوستانه تنها زمانی مجاز خواهد بود که در چارچوب ماده ۴۲ منشور و با مجوز شورای امنیت به وقوع پیوندند. بنابراین نمی‌توان آن را استثنایی مازاد بر قاعده منع توسل به زور به شمار آورد و در نتیجه، مشروعیت آن در گروی صدور مجوز شورای امنیت است. در حالی که دولت روسیه نه تنها برای حمله به اوکراین از شورای امنیت مجوزی کسب نکرده بود بلکه این شورا در پی صدور قطعنامه‌ای برای توقف فوری حمله به اوکراین برآمد که با وتوی روسیه در این تلاش، ناکام ماند (Sharifi Tarazkahi & Farzaneh, 2014).

با توجه به آنچه گفته شد، دلایل روسیه برای مشروعیت بخشیدن به یورش نظامی به اوکراین، نه تنها موجه نیست بلکه می‌تواند محملی برای تفاسیر به نفع خود و موسع از مفاهیمی باشد که سنگ بنای نظم حقوقی بین‌المللی کنونی را تشکیل داده است. بی‌شک، ادامه این رویه مسموم ابزارانگاری حقوق بین‌الملل توسط کشورهای قدرتمند، حاصلی جز افزایش هرج و مرج در جامعه بین‌المللی و تضعیف قدرت سازمان ملل متحد را به دنبال

غیرقانونی نیز مغایر با اصول حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت اوکراین تلقی خواهد شد (Ghadir & Rashnavadi, 2024). به این ترتیب، از آنجا که در برخورداری جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک از پایه‌ای ترین عنصر دولت بودگی، یعنی سرزمین، تردید وجود دارد، به واقع، دولت شناخته نمی‌شوند تا بتوان حق درخواست دفاع مشروع جمعی را برای آن‌ها به رسمیت شناخت. همچنین گستره عملیات نظامی روسیه در اوکراین و هدف غایی غیرنظامی کردن این کشور که می‌توان آن را متضمن تغییر حکومت اوکراین دانست، با معیارهای عرفی ضرورت و تناسب در دفاع مشروع سازگاری ندارد.

استدلال دیگر رئیس جمهور روسیه در توجیه حضور نظامی در اوکراین، استقرار نیروهای خود برای انجام عملیات حفظ صلح در شرق اوکراین است. پوتین تأکید کرد این یک «عملیات نظامی خاص» (Special military operation) در دنباس است و روسیه اوکراین را اشغال نمی‌کند. اما آنچه به وقوع پیوسته، نه یک عملیات حفظ صلح، بلکه یک حمله تمام عیار نظامی است. زیرا غیر قاهرانه و غیر آمرانه بودن، توافقی بودن و بی‌طرفی از مهم ترین ویژگی‌های عملیات حفظ صلح است (Ziaee Bigdeli, 2020). به این معنی که نیروهای حافظ صلح جز در مورد دفاع مشروع مجاز به استفاده از سلاح، آن هم از نوع سلاح‌های سبک، نیستند؛ کشور محل عملیات باید به اجرای عملیات در کشورش رضایت داشته باشد و نیروهای حافظ صلح نباید به گونه‌ای رفتار کنند که از یک طرف اختلاف جانب‌داری نمایند (Ziaee Bigdeli, 2020). استفاده از اصطلاح «عملیات حفظ صلح» در وضعیت اوکراین که واجد هیچ یک از ویژگی‌های مذکور نیست، چنان‌که دبیر کل ملل متحد به درستی به آن اشاره کرد، نوعی تحریف این مفهوم است و زمانی که نیروهای روسی بدون رضایت اوکراین، به صورت قاهرانه وارد سرزمین این کشور شده اند و

نخواهد داشت و چه بسا روزی این سازمان را به سرنوشتی مشابه جامعه ملل دچار سازد.

هرچند تبعات بشردوستانه تجاوز روسیه برای مردم اوکراین باید اصلی‌ترین نگرانی جهان باشد، با اینحال پیامدهای این اقدام برای امنیت گسترده‌تر جهانی و حاکمیت بین‌المللی حقوق هنوز هم چشمگیر و جدی است.

در تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، تعهدات برآمده از حقوق بین الملل در عرصه‌های متعددی نقض شده است. حقوق بین الملل شاخه‌ای از حقوق است که چگونگی رفتار دولت‌ها در روابط متقابلشان را با ترسیم مرز میان حقوق و مسئولیت آن‌ها تنظیم می‌کند. نبود مکانیسم کارآمد برای اجرای حقوق بین الملل، به ویژه رویکرد هژمونیک دولت‌های قدرتمند، این شاخه از حقوق را ناکارآمد کرده است. تهاجم روسیه به اوکراین نمونه بارزی از محدودیت‌های اجرای حقوق بین الملل است که نشان می‌دهد چالش برای اعمال حاکمیت آن همچنان پابرجاست (Ghadir & Rashnavadi, 2024).

واکنش بین‌المللی به این تهاجم از نظر سیاسی و حقوقی قابل توجه و کم نظیر بوده است. کشورهای که اقدامات روسیه را محکوم کرده‌اند نه تنها سعی در حمایت از اوکراین و شهروندانش داشتند، بلکه از اصول حقوقی ناظر بر روابط میان دولت‌ها نیز حمایت کرده‌اند. برخی از دولت‌ها نه تنها رهبران روسیه را متهم به ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه صلح در اوکراین می‌دانند، بلکه معتقدند دولت و مردم روسیه هم باید مسئولیت حقوقی بین‌المللی و مسئولیت اخلاقی جنگ کشورشان علیه اوکراین را برعهده گیرند بنابراین، شاید روسیه گسترش به شرق ناتو را تهدید به حمله مسلحانه قریب‌الوقوع علیه این کشور تفسیر کرده تا بتواند با توسل به زور پیشدستانه به آن پاسخ دهد. در هر صورت، حتی چنانچه قانونی بودن دفاع از خود پیشدستانه پذیرفته شود، ادعای روسیه در این مورد بی‌اساس است و هیچ مدرکی پیش از حمله به اوکراین

وجود نداشت که نشان دهد ناتو در صدد حمله قریب‌الوقوع علیه روسیه باشد. این امر پیش‌تر با این حقیقت که دولت‌های عضو ناتو قبل از حمله روسیه نیروهای نظامی بسیار محدودی در مرزهای شرقی‌شان مستقر کرده بودند، تایید می‌شود. واقعیت دیگر آن است که حتی پس از آنکه روسیه "عملیات ویژه نظامی" خود را شروع کرد، دولت‌های عضو ناتو تمایلی به ورود به برخورد نظامی با روسیه نداشتند. درواقع، ترس از تقابل مستقیم احتمالی با همسایه شرقی، دلیل اصلی کنار کشیدن اعضای مختلف ناتو از حمایت از عضویت احتمالی اوکراین در این سازمان بود.

ادعاهای مکرر روسیه از جمله اظهارات مهم در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ در شورای امنیت ملل متحد مبنی بر آنکه اوکراین در حدود ۳۰ تاسیسات توسعه سلاح بیولوژیکی با تامین اعتبار مالی ایالات متحده و ناتو را در اختیار دارد، به معنای وجود تهدید واقعی یا قریب‌الوقوع ناتو علیه روسیه نبود. در همان جلسه نیز نماینده عالی در امور خلع سلاح توضیح داد که ملل متحد هیچ شواهدی مبنی بر وجود برنامه‌های تسلیحاتی بیولوژیکی مورد ادعای روسیه ندارد. بدین ترتیب هیچ مدرکی دال بر وجود مبنای قانونی برای اثبات اینکه روسیه در فوریه سال ۲۰۲۲ با تهدید جدی و فوری از سوی ناتو مواجه باشد، وجود نداشت. بنابراین ادعای دفاع از خود فردی روسیه در رابطه با ناتو مبتنی بر نظریه "دفاع از خود پیشگیرانه" بود که در سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ توسط جرج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور وقت آن کشور تبیین شده بود. طبق این دکترین، یک دولت می‌تواند علیه تهدید مبهم و غیرفوری که گمان می‌رود در زمانی نامشخص در آینده روی دهد، متوسل به زور شود (Cottier, 2022).

غیر از تهدید ناتو و تغییر ساختار امنیتی اروپا، پوتین تهدید مستقیم اوکراین علیه روسیه را مبنایی برای دفاع از خود فردی عنوان کرد و اعلام نمود "مادامی که روسیه با یک تهدید دائمی از خاک اوکراین مواجه باشد، نمی‌تواند احساس امنیت و توسعه کند".

پوتین با بیان این که "تهدیدات مورد ادعای پیشین، امروز هم از سوی اوکراین مطرح است و هیچ گزینه دیگری را برای دفاع از روسیه باقی نمی‌گذارد...."، وانمود می‌کرد که این تهدید نسبت به تهدید ناتو "فوری" تر و "قریب‌الوقوع" تر بود. شاید با این تصور که اقدام علیه این تهدید قریب‌الوقوع، از ادعای واکنش به تهدید غیرفوری متناسب به ناتو از حمایت بیش‌تری برخوردار باشد. این‌بار هم، واقعیات از این ادعا حمایت نمی‌کرد و هیچ مدرک یا ادله معتبری ارائه نشد که نشان دهد اوکراین در صدد حمله وسیع به خاک روسیه باشد. در واقع، درک این موضوع که چرا اوکراین باید خواستار راه‌اندازی جنگ متعارف با همسایه‌ای باشد که به لحاظ نظامی بسیار برتر بود و هفته‌ها به بسیج عظیمی در امتداد مرزهایش پرداخته بود، دشوار است.

موانع دیوان کیفری بین‌المللی در مقابل تجاوز روسیه به اوکراین

یکی از موضوعاتی که می‌تواند روند دادرسی‌های کیفری در عرصه بین‌الملل را با چالش مواجه کند موضوع حضور نظامی روسیه در خاک اوکراین است. ایجاد یک دادگاه بین‌المللی جنایت تجاوز برای تعقیب اقداماتی که توسط روسیه علیه اوکراین انجام شده، امکان‌پذیر است. مقامات اوکراینی موضوع را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داده و دیوان کیفری بین‌المللی در تاریخ ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲ حکم بازداشت پوتین به عنوان رئیس‌جمهور و برخی دیگر از مقامات روسیه را صادر نمود؛ اما از آنجا که روسیه عضو اساسنامه دیوان نیست لذا تصمیمات و صلاحیت قضایی دیوان را به رسمیت نشناخته و این موضوع از طرف مقامات مسئول روسیه و نماینده این کشور در سازمان ملل اعلام شده است و حتی یکی از مقامات ارشد روسیه مقر دیوان را تهدید به حمله موشکی نموده است. این در حالی است که دیوان بر اساس بند ۱ ماده ۸۹ اساسنامه و نیز بر بند ۵ ماده ۸۷ می‌تواند از دولت‌های عضو و غیر عضو دیوان برای دستگیری و تسلیم پوتین و سایر مقامات روسیه که توسط دیوان محکوم شده‌اند، درخواست همکاری نماید. با توجه به اینکه روسیه و اوکراین هر دو اساسنامه دیوان را امضا نکرده‌اند اما برخی معتقدند که کمترین تأثیر صدور حکم بازداشت از طرف دیوان کیفری بین‌المللی هشدار جدی در توجه به مسئله

ادعای دفاع از خود فردی پوتین در برابر تهدید اوکراین فقط ناظر بر تمامیت ارضی روسیه نبود، بلکه شامل حمایت از روسی‌های خارج از روسیه بویژه "دارندگان گذرنامه روسی در داخل اوکراین و روسی‌زبانان منطقه دونباس" هم می‌شد. حمایت از جان اتباع در خارج که ناظر بر توسل به زور فراتر از سرزمین دولت دفاع کننده و در قلمرو دولت‌های دیگر صورت می‌گیرد، یک استدلال حقوقی است که در مواردی انجام شده است. از جمله بارزترین و شناخته شده‌ترین آن می‌توان به حادثه فرودگاه انتبه در سال ۱۹۷۶ در اسرائیل اشاره کرد. بطورکلی برای چنین استدلال قانونی سه معیار تعیین شده است: وجود تهدید فوری علیه اتباع، ناکامی یا ناتوانی حاکمیت سرزمینی برای حمایت از آن‌ها، و تحدید اقدام دولت مداخله‌گر به هدف دفاع از اتباعش در برابر آسیب. این در حالی است که استدلال "دفاع از اتباع" ادعای قانونی توجیه‌پذیری در عصر منشور نبوده است و با توجه به موارد قابل توجهی که از آن به عنوان دستاویزی برای کاربرد زور جهت مقاصد غیردفاعی استفاده شده است، این موضوع همچنان محل بحث است.

پاسخگویی مرتکبین جنایات بین المللی است (Trahan, 2023).

با دیدگاه واقع بینانه می‌توان مدعی شد که با وجود خوش بینی‌هایی که پس از فعال نمودن صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در رسیدگی به جرم تجاوز در سال ۲۰۱۸ ایجاد شد، در وضعیت کنونی نمی‌توان امیدی به پیگرد و محاکمه عملی مرتکبین جرم تجاوز روسیه به اوکراین توسط دیوان کیفری بین المللی را داشت. تاکنون عملاً هیچ شخصی نتوانسته رهبران سیاسی و نظامی روسیه را در این خصوص محاکمه و مجازات نماید در حالی که مطابق قواعد حقوق بین‌الملل صلاحیت رسیدگی به جرایم و محاکمه مسئولین جنایت تجاوز به خاک اوکراین، به دادگاه‌های ملی اوکراین و دیوان کیفری بین‌المللی تعلق دارد، اما در واقع این دو نهاد عملاً نمی‌توانند آنچنان که انتظار هست اقدامی انجام دهند؛ با در نظر گرفتن همه اینها ایده‌ای که به سرعت تقویت گردید تشکیل دادگاه ویژه بود، البته نه برای محاکمه جنایات جنگی تحت دادگاه‌های ملی یا دیوان کیفری بین المللی بلکه برای محاکمه جنایت تجاوز، به طریقی که در طول محاکمات نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شده بود که این رویه توسط دولت اوکراین نیز مورد تأیید قرار گرفت (Cottier, 2022).

در وضعیت کنونی اجماع جهانی در محکوم نمودن اقدام تجاوز روسیه به خاک اوکراین شرایط خاصی را ایجاد نموده است؛ ب عنوان نمونه در ۲ مارس ۲۰۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تحت عنوان « تجاوز به اوکراین » تصویب نمودند که در آن قطعنامه تجاوز روسیه به اوکراین به شدت تقبیح گردیده است. علاوه بر قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل، تعدادی از دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای از جمله کشورهای مانند استونی، لتونی، لیتوانی و همچنین مجمع پارلمانی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، مجمع پارلمانی سازمان امنیت و همکاری اروپا و همچنین مجمع پارلمانی و کمیته وزیران شورای اروپا در نهایت

پارلمان اروپا قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و جامعه بین الملل درخواست نمودند با همکاری نزدیک با اوکراین فوراً یک دادگاه کیفری بین المللی ویژه برای تحقیق و تعقیب جنایت تجاوز مرتکب شده توسط رهبران سیاسی و نظامی روسیه تشکیل دهند و در نهایت با توجه به حساسیت موضوع، اتحادیه اروپا با تشکیل دادگاه جدیدی برای محاکمه جنایات تجاوزکارانه روسیه در طول جنگ در برای تعقیب جنایات تجاوز به اوکراین موافقت کرد (Ghadir & Rashnavadi, 2024).

سازمان‌های منطق‌های دیگری همچون اتحادیه آفریقا، سازمان همکاری اقتصادی کشورهای غرب آفریقا، انجمن جزایر اقیانوس آرام، سازمان کشورهای آمریکایی، جامعه کارائیب و شورای شمال اروپا، اقدام تجاوزکارانه روسیه به اوکراین را محکوم نمودند. در مجموع با توجه به موج موضع گیری و واکنش دولت‌ها و سازمان‌ها و حتی دانشگاهیان و صاحب نظران حقوقی، اینکه آیا شرایط برای عملی نمودن ایده ایجاد دادگاه ویژه جهت رسیدگی به تجاوز روسیه به اوکراین فراهم است یا خیر؟ واقعیت آن است که ایجاد چنین دادگاهی دارای محدودیت‌ها و موانعی سیاسی و حقوقی است که جای بحث بیشتری دارد حتی موضوع چگونگی تشکیل و اعمال صلاحیت چنین دادگاهی نیز نیاز به طرح مباحث حقوقی مربوط به خود را دارد؛ علاوه بر این چالش‌های دیگری وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود؛ به عنوان مثال ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که مقامات ارشد روسیه دستگیر و برای محاکمه تحویل دادگاه شوند (مانند اجماعی که در هنگام تشکیل دادگاه نورنبرگ در دنیا شکل گرفت) این به معنای آن است که امکان محاکمه و محکومیت غیابی متهمان و عاملین جنایات بین المللی وجود داشته باشد موضوعی که در اساسنامه رم و رویه بین المللی در خصوص محاکم کیفری امری قابل قبول نمی‌باشد. یکی دیگر از بزرگترین موانع در تصمیم گیری برای محاکمه عوامل دخیل در اوکراین

رئیس جمهور روسیه مکرراً علت حمله نظامی را ارتکاب نسل زدایی از سوی دولت اوکراین بیان کرده و اوکراین نیز این ادعا را رد می‌کند. در نتیجه طرفین اختلاف دارند که آیا نسل زدایی که به موجب ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی تعریف شده، از سوی اوکراین ارتکاب یافته است. ۲- همچنین بر مبنای ادعای یکجانبه روسیه، آیا این دولت به موجب ماده یک کنوانسیون حق اقدام نظامی برای جلوگیری و مجازات نسل زدایی را دارد و ۳- نهایتاً در حالی که ماده ۸ کنوانسیون منع نسل زدایی به هر یک از متعاهدین اجازه می‌دهد تا از مراجع صلاحیت دار سازمان ملل بخواهند که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات نسل‌زدایی یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی بعمل آورند، روسیه می‌تواند به اقدامات نظامی به صورت یک جانبه متوسل شود. با توجه به نکات فوق اوکراین معتقد است که اختلافی در خصوص تفسیر و اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی وجود دارد و دیوان صلاحیت علی‌الظاهر برای صدور قرار موقت و صلاحیت لازم برای ورود به دعوی را داراست (Ilkhanipour & Salehi, 2023).

از آنجا که احراز صلاحیت علی‌الظاهر و باورپذیری همپوشانی-هایی دارند، با ورود به بحث باورپذیری امکان پذیرش ادعای اوکراین در خصوص این دو پیش شرط را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. برای تحقق شرط باورپذیری دیوان باید قانع شود که خواهان از حقوق ادعایی ذیل کنوانسیون منع نسل زدایی بهره مند می‌گردد (باورپذیری حقوقی) با این حال بر اساس تحولی که از این مفهوم در رویه قضایی دیوان در قضیه مصونیت‌ها و دادرسی کیفری در سال ۲۰۱۶ رخ داده، دیوان همچنین باید قانع گردد که اقدامات و رفتار خوانده (روسیه) حقوق اوکراین به موجب مواد یک، دو و هشت را نقض کرده باشد (باورپذیری حقایق و ادعاها) (اوکراین ادعا کرده، که اعلام و اعمال اقدامات روسیه در داخل

تعریف «جرم تجاوز» است و اینکه معیارهای تشخیص آن کدام است (قدیر، رشنوادی، ۱۴۰۳: ۵۲). با توجه به اقل بودن تعداد کشورهای حاضر در کامپالا اعتبار این تعریف قابل اعتراض است هرچند ممکن است این موضوع استدلال دیگری به نفع ایجاد یک دادگاه ترکیبی اروپایی اوکراینی (با حمایت سازمان ملل در صورت امکان) باشد.

امکان سنجی پذیرش دعوی اوکراین علیه روسیه با ادعای نقض

کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی

طبق ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، چنانچه دیوان تشخیص دهد، اقداماتی باید برای حفظ حقوق طرفین موقتاً با توجه به اوضاع و احوال به عمل آید، می‌تواند دستوری به این منظور صادر نماید. «عبارت اوضاع و احوال در این ماده گویای آن است که اگر یکی از اصحاب دعوی به نحوی رفتار کند که آثار غیرقابل جبرانی به همراه داشته و علت دعوی را زائل نماید، دیوان با صدور این دستور ثبات دادرسی را فراهم آورد» (Mirabbasi, 2017). صدور چنین قراری نیازمند اغناء خاطر دیوان در خصوص صلاحیت^۱، باورپذیری حقوق مورد ادعای خواهان^۲ با توجه به مبنای صلاحیتی اعلامی و در عین حال صدور چنین قراری فوریت^۳ داشته و قصور در آن منجر به خسارتی جبران ناپذیر^۴ گردد، است.

اوکراین در دادخواست خود صلاحیت دیوان را مبتنی بر مواد (۱) ۳۶ اساسنامه و ۹ کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی می‌داند (پاراگراف ۴)؛ چراکه اوکراین و روسیه هر دو عضو این کنوانسیون هستند و بر ماده ۹ کنوانسیون شرطی درج نکرده اند. این ماده صلاحیت دیوان را منوط به وجود اختلاف میان طرفین و آن هم اختلافی در مورد تفسیر، اعمال و اجرای کنوانسیون کرده است. اوکراین معتقد است طرفین در مورد تفسیر، اعمال و اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی اختلاف دارند چرا که ۱-

³. Urgency

⁴. Irreparable prejudice

¹. Jurisdiction

². Plausibility

یا علیه اوکراین در قالب «عملیات نظامی ویژه» ۲۰۲۲ بر اساس نسل زدایی ادعایی در تقابل با کنوانسیون منع نسل زدایی بوده و ناقض حق اوکراین برای مصون بودن از اقدامات غیرقانونی، از جمله حمله نظامی، بر اساس ادعای پیشگیری و مجازات نسل زدایی است (پاراگراف ۲۶). چنانچه این حق در این کنوانسیون برای متعاهدین پیش بینی شده باشد، به طور قطع دولت اوکراین به عنوان یکی از اعضای متعاهد از آن بهره مند خواهد شد و پذیرش صلاحیت علی الظاهر و عنصر باورپذیری حقوقی را تسهیل می نماید. به موجب مقررات این معاهده اعضا تعهد به عدم ارتکاب نسل زدایی (ماده ۱)، تعهد و حق به جلوگیری و مجازات (ماده ۱)، الزام به وضع قوانین لازم برای اجرای مفاد کنوانسیون (ماده ۵)، تعهد به اطمینان از مجازات های مؤثر برای افراد مرتکب رفتار مجرمانه (ماده ۵)، تعهد و حق به محاکمه افراد متهم به نسل زدایی در دادگاه های صالح داخلی و یا کیفری بین المللی (ماده ۶) و تعهد و حق به استرداد (ماده ۷) دارند. به موجب مطالب پیش گفته احراز حقی که اوکراین مدعی وجود آن است از مفاد کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی قابل درک نیست. لذا نویسنده معتقد است علی رغم ادعای اوکراین که معتقد است اختلاف در رابطه با اجرای کنوانسیون منع ژنوسید به ویژه در رابطه با حق اوکراین برای مصون بودن از اقدامات غیرقانونی، از جمله حمله نظامی، بر اساس ادعای پیشگیری و مجازات نسل زدایی این دولت، چنین حقی در کنوانسیون منع ژنوسید پیش بینی نشده و نتیجتاً این اختلاف در محدوده این معاهده نبوده و احراز صلاحیت علی الظاهر را با مشکل مواجهه می نماید؛ همچنین است در خصوص عنصر باورپذیری. لذا با فرض وجود سایر شرایط برای صدور قرار موقت (فوریت و جبران ضرر و زیان جبران ناپذیر)، فرض باورپذیری حقوق ادعایی اثبات نخواهد شد و به طریق اولی مداخلی برای ورود به ارزیابی باورپذیری ادعاها و حقایق گشوده نخواهد شد. از این حیث پذیرش صدور قرار موقت به دلیل فقدان

دو شرط صلاحیت علی الظاهر و باورپذیری حقوق و ادعاها به عنوان شروط و عناصر لازم برای صدور قرار موقت به نظر منتفی است (Ilkhanipour & Salehi, 2023).

با بهره گرفتن از مطالب پیش گفته و با در نظر داشتن این اصل که نتایج در رسیدگی قرار موقت نباید در رسیدگی های دیوان برای احراز صلاحیت به منظور ورود به ماهیت اختلاف اثرگذار باشد، در این بخش به امکان سنجی پذیرش دعوی اوکراین و احراز صلاحیت دیوان برای ورود به ماهیت دعوا می پردازیم. اشاره شد که به موجب ماده ۹ کنوانسیون منع ژنوسید صلاحیت دیوان منوط به وجود اختلاف میان طرفین و آن هم اختلافی در مورد تفسیر، اعمال و اجرای کنوانسیون است.

حق مورد ادعای اوکراین در محدوده مقررات کنوانسیون منع نسل زدایی قابل تصور نیست. حتی اگر این دولت به نقض ماده ۸ این سند اشاره کند، همچنان نیز احراز صلاحیت موضوعی دیوان با مشکل مواجه هست. ماده ۸ مقرر می دارد، هر یک از متعاهدین می توانند از مراجع صلاحیت دار سازمان ملل بخواهند که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی به عمل آورد. این ماده به حق دولت های عضو برای درخواست از سازمان ملل متحد اشاره دارد و به هیچ وجه حقی برای دولت ناقض ادعایی ایجاد نمی کند تا در پرتو آن تنها اقدامات سازمان ملل متحد علیه خود را قانونی و قابل تصور بداند.

عملکرد و چالش های شورای امنیت سازمان ملل متحد در جنگ

اوکراین

وضع صلح و امنیت جهانی یکی از موضوعات اساسی در میان جوامع بشری، از دیر باز تاکنون به شمار می رفته است. همسو با پیشرفت جوامع بشری و ظهور تمدن های متعدد در میان جوامع مختلف، تهدیدات صلح و امنیت با شیوه های متفاوت تری از گذشته خود را نشان می داد. نقش عامل انسانی حداقل تا قبل از

طمع به حقوق دیگران و ... از ویژگی‌های واقعی جامعه بشری و نظام بین‌المللی بوده است و با وجود تعدد مصلحان الهی و بشری و دعوت به صلح و رفع اختلاف و عهدنامه‌های گوناگون مبنی بر تعاون و تفاهم و فیصله مسالمت آمیز اختلافات، صحنه تاریخ لحظه‌ای از اختلاف، کشمکش و یا بحران خالی نبوده است (Namamian & Tavassoli Naeini, 2021). ولی بدون

شک پیشگیری از اختلاف و فیصله دادن به اختلافات موجود و توجه به امنیت جهانی و آرامش بین‌المللی از ویژگی‌های برجسته جامعه انسانی و عاملی موثر در بهبود روابط میان دولت‌ها است. پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و فیصله مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی و بحران‌ها (وضعیت‌ها) از اهداف اولیه و بنیادین منشور ملل متحد محسوب گردید، و ارکان اساسی سازمان ملل متحد یعنی شورای امنیت و مجمع عمومی به ترتیب عهده دار فیصله قضایی و شبه قضایی اختلافات و بحران‌ها و وضعیت‌های بین‌المللی گردیدند.

نتیجه‌گیری

بحران اوکراین از منظر بحران انسانی روز به روز ابعاد پیچیده تری پیدا می‌کند، طرفین مخاصمه در موارد متعددی قواعد آمره حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کرده‌اند.

در مقام جمع بندی باید چنین بیان داشت که با توجه به عدم عضویت دولت روسیه در اساسنامه رم و نیز بهره‌مندی ولادیمیر پوتین از مصونیت شخصی به لحاظ سمت فعلی خود، دولت‌های عضو اساسنامه در صورتی که پوتین در سرزمین آن‌ها یافت شود، قادر به بازداشت و تسلیم وی به دیوان کیفری بین‌المللی در راستای اجرای قرار جلب صادره از سوی دیوان نخواهند بود. چنین اقدامی را تنها در دو حالت می‌توان متصور شد: یا دولت روسیه به سلب مصونیت از پوتین رضایت دهد و یا اینکه دوران تصدی سمت ریاست جمهوری وی پایان پذیرد و به سبب عدم برخورداری از

فروپاشی نظام دو قطبی جهان، همواره عامل اصلی در بروز مناقشات گسترده بین‌المللی و نقض صلح جهانی به شمار می‌رفت. تمایلات فردی و کشورگشایی‌های متوالی که نتیجه خوی وحشیانه برخی جهان‌گشایان بود، به طور مکرر جهان را هر از گاهی با یک نزاع گسترده بین‌المللی مواجهه می‌ساخت. این روند تا قبل از دوران معاصر یک روال عادی در نظام بین‌الملل به شمار می‌رفت (Janipour & Ladmakhi, 2014).

با تشکیل سازمان ملل متحد در پایان جنگ و تاسیس یک نهاد نسبتاً متمرکز بین‌المللی در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در درون منشور ملل متحد و در جهت تکامل شورا در نظام جامعه ملل، روزنه‌امیدی در راستای تحقق حفظ صلح و امنیت جهانی به روی همه ملت‌ها گشوده شد. شورای امنیت توانسته است در ادوار مختلف بیش از شش دهه نظام بین‌الملل را از وقوع یک نزاع بین‌المللی مصون بدارد و در دوره پسا سازمان ملل متحد و یا گذار به حکومت جهانی، بدون شک از یک جایگاه و نقش ممتازی برخوردار خواهد بود.

به موجب ماده ۲ منشور ملل متحد، دولت‌ها مکلفند دعاوی خود را از طریق مسالمت آمیز حل کنند و از توسل به زور برای حل و فصل اختلافات خودداری کنند. اصل مذکور نتیجه طبیعی اصل تحریم استفاده از زور است؛ صرف نظر از این مهم ماده ۳۳ منشور ملل متحد، کشورها را مکلف کرده‌اند دعواهایی که محتمل است صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد، به یکی از طرق قضائی (داوری دادگاه دادگستری بین‌المللی سیاسی (مذاکره، مساعی جمیله، تحقیق، میانجیگری، سازش) حل و فصل شوند.

یکی از وظایف اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد در انجام مسئولیت اولیه این ارگان جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی برقراری صلح بر اساس فصل ششم منشور ملل متحد و فیصله دادن به اختلافات بین‌المللی از جمله جنگ اوکراین است. بی‌تردید اختلاف، کشمکش و نزاع بر سر حفظ حقوق، یا کشورگشایی و

گستره تلفات غیرنظامی، بحران انسانی گسترده، استفاده از سلاح‌های ممنوعه و هدف قرار دادن اماکن غیرنظامی، بازداشت‌های خودسرانه و ارتکاب شکنجه و تجاوز توسط طرفین مخاصمه امکان اعمال نظریه در بحران اخیر وجود دارد اما به دلیل اقدامات کم شدت نظامی مانند اعمال منطقه پرواز ممنوع می‌تواند به گسترش بحران انسانی موجود منجر شود و صرفاً اقدامات دیپلماتیک و سیاسی در چارچوب ارکان اصلی دکترین توصیه می‌شود.

سوءاستفاده ایالات متحده از نظریه مسئولیت حمایت در بحران لیبی نیز جامعه بین‌المللی را به شدت نسبت به مقاصد ایالات متحده و ناتو بدبین و دچار تردید کرده است. لذا با وجود مبانی حقوقی جهت مداخله سیاسی، دیپلماتیک و اقدام کم شدت نظامی با هدف حفاظت از غیرنظامیان این مداخله در بعد نظامی آن توصیه نمی‌شود و تمرکز جامعه بین‌المللی باید بر جلوگیری از ارسال سلاح به طرفین منازعه و کمک‌های غذایی، پزشکی و فعالیت‌های میانجیگرانه با هدف توقف فوری منازعه و فصل خصومت قرار بگیرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The Russian invasion of Ukraine in February 2022 marks one of the most serious violations of international law and norms since World War II, triggering one of the deadliest and most geopolitically disruptive conflicts of the twenty-first century. The war has not only led to widespread humanitarian crises, including mass displacement, infrastructure destruction, and civilian casualties, but has

مصونیت شخصی، دولت‌های دیگر بتوانند او را تسلیم دیوان نمایند. از آنجایی که تحقق یافتن مورد اول بسیار دور از ذهن است، به نظر می‌رسد که می‌بایست به انتظار پایان دوره ریاست جمهوری پوتین نشست که این امر ممکن است به ثمر رسیدن پرونده را سال‌ها به تعویق اندازد.

با این حال و صرف نظر از تمامی موانع و چالش‌های پیش روی دیوان کیفری بین‌المللی در این پرونده، اقدام دیوان در صدور قرار جلب علیه پوتین علاوه بر آنکه نام وی را هم ردیف جنایتکاران تاریخ بشریت قرار می‌دهد، نوید بخش برای قربانیان جنایات بین‌المللی بوده و نشانگر آن است که عدالت کیفری بین‌المللی حتی نسبت به ارتکاب جنایات توسط رئیس جمهور یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بی‌تفاوت نمی‌باشد.

تهاجم روسیه به اوکراین نمونه بارز محدودیت‌های اعمال شده بر اجرای قوانین بین‌المللی است و نشان می‌دهد که چالش اعمال حاکمیت این کشور همچنان باقی است. واکنش بین‌المللی به این تهاجم از نظر سیاسی و حقوقی نادر بود، کشورهایی که اقدامات روسیه را محکوم کردند نه تنها سعی در حمایت از اوکراین و شهروندان آن داشتند، بلکه از اصول حقوقی حاکم بر روابط بین کشورها نیز حمایت کردند. برخی از دولت‌ها نه تنها رهبران روسیه را به ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه صلح در اوکراین متهم می‌کنند، بلکه معتقدند که دولت و مردم روسیه باید مسئولیت حقوقی و اخلاقی بین‌المللی را در قبال جنگ کشورشان علیه اوکراین بر عهده بگیرند. همچنین جنگ روسیه و اوکراین، به دلیل

also challenged the foundations of international criminal law and the enforcement of global peace mechanisms. The aggression of the Russian Federation has been recognized by numerous international actors as a flagrant breach of jus cogens norms, particularly the prohibition of the use of force under the United Nations Charter. In response, the international community—through political, economic, and diplomatic

means—has attempted to hold Russia accountable, including through sanctions and support for Ukraine. Nevertheless, the absence of an effective legal framework for prosecution and enforcement, particularly regarding the crime of aggression under the Rome Statute, presents a significant obstacle. The challenges surrounding the International Criminal Court's jurisdiction, Russia's non-ratification of the Rome Statute, and the limited enforcement power of the Security Council due to Russia's veto status all contribute to the complexity of pursuing justice in this context (Cottier, 2022; Mirabbasi, 2017).

From the standpoint of international criminal law, one of the main theoretical frameworks for evaluating the Ukraine conflict is the Responsibility to Protect (R2P) doctrine. While R2P is not yet a binding legal principle, it has emerged as a widely accepted political norm, affirming the international community's duty to intervene when a state is unable or unwilling to protect its population from mass atrocities. In the case of Ukraine, the government has clearly indicated a willingness to accept international assistance, even requesting a no-fly zone to protect civilians. This implies that the principle of non-intervention is not violated if action is taken in response to a state's request or consent. Moreover, various reports from United Nations bodies and the OSCE mission reveal extensive violations of international humanitarian and human rights law, including deliberate attacks on civilian infrastructure and summary executions (Benedek et al., 2022; Neville, 2022). The atrocities committed by Russian forces in cities like Bucha and Irpin—where evidence of torture, rape, and indiscriminate bombings has been recorded—reinforce Ukraine's eligibility under R2P to receive protective support. These findings also highlight the urgency of coordinated international measures to uphold

accountability and prevent impunity (Islami & Abedi, 2016).

Another critical issue concerns Russia's attempt to legally justify its invasion under various international legal doctrines, including self-defense, peacekeeping, and humanitarian intervention. President Putin has claimed that the military operation was an act of collective self-defense in response to alleged genocidal acts by Ukraine against Russian-speaking populations in Donbas. However, such justifications lack factual and legal support. The concept of anticipatory or preemptive self-defense, although discussed in U.S. security doctrine, remains highly controversial and unsupported in customary international law. Moreover, the notion of "humanitarian intervention" has not been recognized as a legal exception to the prohibition on the use of force unless authorized by the UN Security Council, which was not the case here. The so-called recognition of the Donetsk and Luhansk republics as independent states also lacks legal basis, as unilateral secession is only permissible under strict conditions such as colonial domination or systematic human rights violations, none of which were present here (Ghadir & Rashnavadi, 2024; Sharifi Tarazkahi & Farzaneh, 2014). Furthermore, Russia's invocation of peacekeeping terminology is deeply misleading, as legitimate peacekeeping requires consent, impartiality, and non-use of force except in self-defense. These essential characteristics were absent from Russia's actions in Ukraine (Ziaee Bigdeli, 2020).

Given these challenges, the establishment of a special international tribunal for the crime of aggression has been proposed by legal scholars, the European Parliament, and other international institutions. The International Criminal Court (ICC), although it has issued arrest warrants against President Putin and others, lacks jurisdiction over the crime of

aggression in the context of Ukraine and Russia due to the non-ratification of the Rome Statute by both countries. Despite this, the ICC can investigate war crimes and crimes against humanity occurring within Ukraine's territory. However, enforcement of such warrants remains problematic, especially due to Russia's open defiance of the Court's authority, and threats of retaliatory actions against ICC personnel. Thus, advocates have suggested creating an ad hoc hybrid tribunal modeled on the Nuremberg Trials to specifically address the crime of aggression against Ukraine. This tribunal would potentially operate through cooperation between Ukraine and international partners, even though the feasibility of such a tribunal faces both political and legal constraints (Ghadir & Rashnavadi, 2024; Trahan, 2023).

Additionally, Ukraine has filed a case before the International Court of Justice (ICJ) alleging that Russia violated the Genocide Convention by misusing its provisions as a pretext for armed intervention. Ukraine argues that there exists a dispute regarding the interpretation and application of the Convention, especially Russia's unilateral claim that Ukraine committed genocide, thereby justifying military action. While the ICJ issued a provisional measure ordering Russia to cease military operations, the Court's jurisdiction over the merits of the case hinges on the determination of whether a genuine legal dispute exists under the Convention (Ilkhanipour & Salehi, 2023). Critics argue that Ukraine's claim—asserting a right to be free from unlawful military actions based on false genocide allegations—may not fall within the Convention's scope, thus complicating the admissibility of the case. The ICJ's decision on this matter could set a precedent with profound implications for the future interpretation of the Genocide Convention and its misuse as justification for military aggression.

Finally, the role of the UN Security Council remains a central point of concern. Despite its primary responsibility for maintaining international peace and security, the Security Council has been paralyzed due to the veto power of its permanent members, particularly Russia in this case. This impasse highlights the broader structural limitations of the existing international legal system, where geopolitical interests often undermine the enforcement of justice and accountability. The failure to prevent or halt the aggression in Ukraine, despite overwhelming global condemnation, reveals a significant gap between legal norms and practical enforcement mechanisms (Janipour & Ladmakhi, 2014; Namamian & Tavassoli Naeini, 2021). Although alternative measures, such as the General Assembly's "Uniting for Peace" resolution, can provide some recourse, they lack binding enforcement power. This crisis underlines the urgent need for reform in international institutions to better address crimes of aggression and ensure that legal norms are not subverted by political power plays.

In conclusion, the invasion of Ukraine by Russia represents a significant breach of international law that challenges the efficacy of existing enforcement mechanisms and legal doctrines. Despite widespread condemnation and various legal initiatives aimed at ensuring accountability, substantial obstacles remain—ranging from jurisdictional limitations of the ICC to geopolitical impasses in the UN Security Council. While the creation of a special tribunal for aggression offers a promising avenue, its implementation will require overcoming formidable legal and political barriers. Nonetheless, the pursuit of justice in this context remains a critical endeavor—not only for Ukraine but for the integrity of the international legal order as a whole. Ensuring accountability for crimes committed during this conflict is essential to deterring future violations and upholding the

principles of peace, sovereignty, and human dignity enshrined in international law.

References

- Benedek, V., Bílková, V., & Sassoli, M. (2022). *Report on Violations of International Humanitarian and Human Rights Law, War Crimes and Crimes against Humanity Committed in Ukraine since 24 February 2022*. <https://www.osce.org/odihr/515868>
- Cottier, T. (2022). *Ukraine and the Responsibility to Protect*. <https://suisse-en-europe.ch/wp-content/uploads/2022/03/Memorandum-R2P-Ukraine-190322>
- Faghih Habibi, A. (2017). The Evolution of the Concept of National Sovereignty of States in Light of the Responsibility to Protect Doctrine. *Journal of International Relations Research*, 1(25), 149-173.
- Ghadir, M., & Rashnavadi, M. (2024). Recent Developments in the Crime of Aggression in International Law. *Journal of Legal Research*, 59.
- Ilkhanipour, A., & Salehi, A. (2023). Application of the Responsibility to Protect Theory in the Ukraine-Russia Conflict. *International Research Quarterly*, 51.
- Islami, R., & Abedi, A. (2016). The Customary Concept of Non-International Armed Conflict in the Judicial Practice of International Criminal Courts with Emphasis on the Judgment of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia. *Legal Research*, 79.
- Janipour, M., & Ladmakhi, M. (2014). The Expanded Concept of Criminal Acts in International Criminal Law. *Criminal Law Research*, 6.
- Mirabbasi, S. M. (2017). *International Adjudications, the International Court of Justice in Theory and Practice*. Javidaneh Publications.
- Mousazadeh, R., & Hosseinzadeh, S. (2020). Evaluating the Performance of the United Nations Security Council in Utilizing the Responsibility to Protect Doctrine. *Public Law Studies Quarterly*, 50(2), 465-490.
- Namamian, P., & Tavassoli Naeini, M. (2021). The Jurisdiction of the International Criminal Court in Adjudicating War Crimes in Ukraine. *Legal Research Journal*, 93.
- Neville, A. (2022). *European Parliament, Russia's war on Ukraine: Investigating and prosecuting international crime*. [https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI\(2022\)733525](https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI(2022)733525)
- Seifzadeh, F., Zamani, S. G., Savari, H., & Raei, M. (2018). State Immunity in Light of the Responsibility to Protect Doctrine. *Public Law Studies Quarterly*, 48(1), 121-138.
- Sharifi Tarazkahi, H., & Farzaneh, Y. (2014). Possibility or Impossibility of the Responsibility

- to Protect Theory in the Islamic Legal System. *Journal of International Law*, 4(13), 343-369.
- Trahan, J. (2023). The Need for an International Tribunal on the Crime of Aggression Regarding the Situation in Ukraine. *Fordham International Law Journal*, 46(5), 671-689. <https://ir.lawnet.fordham.edu/ilj/vol46/iss5/5>
- Ziaee Bigdeli, M. (2020). *Public International Law*. Ganj-e Danesh.